

نگاهی به ویژگی های ممتاز قصص قرآنی، اهداف حکیمانه آن ها و مروری بر معروف ترین هایشان

مایه پند برای خردمندان

پرونده

یکی از سفارش شده ترین اعمال در ماه مبارک رمضان که به آن «بهار قرآن» گفته می شود، تلاوت قرآن کریم است. در این بین، قصص قرآنی یکی از علوم قرآنی و شاید دلچسب ترین آن هاست. قصه ها و داستان ها از دیرباز در زندگی انسان نقش داشته اند. کتاب های آسمانی به خصوص قرآن به قصه ها اهمیت زیادی داده اند و خداوند از آن ها برای رساندن پیام و گاهی اتمام حجت استفاده کرده است.
عده ای علت استفاده فراوان قرآن از داستان را ظرفیت بالای آن در تأثیر گذاری بر اندیشه و روح انسان دانسته اند و خود قرآن، هدف از بیان داستان ها را درس گرفتن انسان ها معرفی و در آیات فراوانی به تامل در سرگذشت پیشینیان سفارش کرده است. در ضمن یکی از بهترین روش ها برای راهنمایی و قانع کردن انسان ها، استفاده از قصه و حکایت است و شاید به همین دلیل است که خداوند در پایان داستان حضرت یوسف (ع) می فرماید: «به راستی که گفتن داستان ایشان، ما به پند برای خردمندان است.» جالب تر این که داستان های قرآنی نزدیک به یک سوم آیات قرآن را در بر می گیرد که نشان دهنده اهمیت توجه به این موضوع است. در پرونده امروز، افزون بر مرور معروف ترین قصص قرآنی به ویژگی های ممتاز این قصص، اهداف داستان های قرآنی و سه دسته اصلی این قصه ها اشاره خواهد شد.



دسته بندی قصص قرآنی

از داستان های پیامبران تا داستان های پیشینیان

بیشتر داستان های قرآن در باره زندگی پیامبران (ع) است. قرآن به ویژه در باره پیامبرانی چون حضرت ابراهیم، موسی، یوسف و پیامبر اسلام (ص) به صورت مفصل سخن گفته است. به جز پیامبران در باره افراد دیگر و نیز برخی از اقوام و گروه ها هم در قرآن، داستان هایی نقل شده است که برای هدایت انسان ها، نکات بسیاری دارد. طبق یک دسته بندی رایج، قصه های قرآنی سه دسته هستند که در ادامه به آن ها اشاره می شود.

۱- **داستان های پیامبران**: شامل دعوت اقوام مختلف برای ایمان آوردن به خدای یگانه، معجزات پیامبران، مراحل دعوت از مردم و سرانجام مومنان و کافران است.

۲- **داستان پیشینیان**: این داستان ها درباره حوادث و رویدادهای زندگی گذشتگان است. داستان هایی چون قوم هود، اصحاب کهف، لوط و فرزندان حضرت آدم (ع).

۳- **داستان های زمان پیامبر (ص)**: این دسته از قصص شامل داستان هایی است که در زمان حیات حضرت محمد (ص) اتفاق افتاده است؛ مثل غزه ها. همان طور که می دانید، جنگ هایی را که پیامبر (ص) در آن ها شرکت داشتند «غزه» می گویند مانند غزه بدر، احد، خندق و

مروری کوتاه بر معروف ترین داستان های قرآنی

احسن القصص

قصص زیادی در قرآن آمده است که در ادامه به برخی از معروف ترین آن ها اشاره کوتاهی می شود.

- خلقت آدم (سوره بقره: ۳۸-۳۰)**: خداوند، آدم (ع) را بدون پدر و مادر آفرید تا دلیلی باشد بر قدرت الهی. وی سالیان دراز عمر کرد و سرانجام در پی تنی طولانی وفات یافت.
- عصیان شیطان (سوره اعراف: ۱۷-۱۱)**: خداوند ابلیس را به دلیل سرکشی و سجده نکردن به آدم مأخذ کرد و گفت چه چیز سبب شد که در برابر آدم سجده نکنی و فرمان مرا نادیده بگیری؟ او در پاسخ به یک عذر ناموجه متوسل شد و گفت من از او بهترم، به دلیل این که مرا آتش آفریده ای و او را از خاک و گل!
- نوح (ع) و توفان نوح (سوره هود: ۴۹-۲۵)**: حضرت نوح (ع) همواره قوم خود را به توحید خدای سبحان و ترک شرک دعوت می کرد ولی قومش جز به عناد و تکبر خود نمی افزودند تا آن که در آخر از پروردگار خودیاری طلبید. خدای تعالی وحی کرد که کشتی بساز. تا این که آن را به اتمام رسانید و امر خدای تعالی مبنی بر نزول عذاب صادر شد. در این هنگام خداوند متعال وحی فرستاد که از هر حیوان یک جفت نر و ماده سوار کشتی کند و نیز اهل خود به جز افرادی را که مقدر شده بود در توفان هلاک شوند، سوار کند.

🔴 **زندگی یوسف (ع) (سوره یوسف: تمام سوره)**: سوره یوسف در بر دارنده نکته ها است که سوره های دیگر قرآن فاقد آن است. قرآن کریم داستان زندگی آن حضرت را از کودکی تا به قدرت رسیدن در مصر به طور مبسوط در سوره یوسف ذکر کرده است و از این نظر نمی توان برای آن نمونه و نظیری در قرآن کریم یافت. به همین دلیل برخی واژه «احسن القصص» یعنی بهترین و زیباترین داستان را به این قصه نسبت می دهند.

🔴 **سلیمان و بلقیس (سوره نمل: ۴۴-۱۵)**: حضرت سلیمان (ع) با تمام شکوه و قدرت بی نظیرش بر جهان حکومت می کرد. در همین عصر در سرزمین یمن، بانویی به نام «بلقیس» بر ملت خود حکومت می کرد ولی او و ملتش به جای خدا، خورشید پرست و بت پرست بودند بنابراین لازم بود که حضرت سلیمان (ع) آن ها را از بیراهه به سوی توحید دعوت کند.

🔴 **یونس در شکم ماهی (سوره صافات: ۱۴۸-۱۳۹)**: داستان حضرت یونس (ع) که از قوم نافرمان خود قهر کرد و درخواست عذاب نمود، در سوره صافات آمده است. وقتی سوار کشتی شد در بین راه نهنگی بر سر راه کشتی آمد، او را به حکم قهر نزد نهنگ انداختند و نهنگ یونس را بلعید و کشتی نجات یافت. آن گاه خدای سبحان او را در شکم ماهی چند شبانه روز زنده نگه داشت و حفظ کرد تا یونس (ع) فهمید که این جریان بلا و آزمایشی است که خداوی را بدان مبتلا کرده است.

🔴 **اصحاب کهف (سوره کهف: ۲۶-۹)**: داستان عده ای از افراد با بصیرت که از ظلم حاکم زمان خود به قاری در کوه پناه می برند و پس از خوابی ۳۰۹ ساله دوباره بیدار می شوند و به شهر بازمی گردند، در حالی که اوضاع عوض شده است و خود از این موضوع بی خبرند.

گذشته، بر خوردی انتخابی و گزینشی است. آن چه را بیان می کند که حاصل پیام دین و در بر دارنده یک موعظه، هدایت، عبرت و ارشاد باشد. علامه طباطبایی (رحمت ... علیه) در توضیح این مطلب می فرماید: «روش کلام خدای تعالی در آن جا که قصه ها را می سراید، بر این است که به مختاراتی و نکات برجسته و مهمی که در ایفای غرض مؤثر است، اکتفا می کند و به خرده ریزهای داستان نمی پردازد. جهش هم خیلی روشن است. چون قرآن کریم کتاب تاریخ و داستان سرایی نیست بلکه کتاب هدایت است.»

🔴 **بررسی از زوایای متنوع**

بحث بسیار مهم و کارسازی که در قصه های قرآن وجود دارد، مسئله تکرار است. علت تکرار قصه های قرآن این است که هر جا خداوند برای ابلاغ پیامش نیازمند حرکت، گفت و گو و صحنه ای بوده آن را بیان کرده است. بیان کردن صحنه های مختلف از یک رویداد، همان چیزی است که در داستان نویسی امروز اصطلاحاً به آن «زاویه دید» می گویند. قصه های قرآن هم به شکل منشور و با زوایای متفاوتی مطلبی را بیان می کند، یعنی ابلاغ یک پیام بستگی به مقدار، کیفیت و شرایط مکانی و زمانی دارد.

🔴 **توجه به جلوه های هنری**

جلوه هایی از هنر که در قرآن به کار رفته، شامل انواع مختلف از جمله «تنوع اسلوب» است. در بسیاری اوقات، یک قصه و یک رویداد واقعی به گونه های متفاوت و مختلفی بیان شده است. گاه کوتاهی و بلندی یک رویداد خاص در کتاب آسمانی ما متفاوت است و به تعبیر امروز، دیالوگ ها و گفت و گو ها به هم تفاوت دارد. افزون بر آن ورود و خروج از داستان هم متفاوت است؛ مثلاً در سوره هود وقتی وارد شدن فرشتگان بر حضرت ابراهیم (ع) نقل می شود، باروش نقل همین قصه در جای دیگر فرق دارد. در سوره هود به جهت فرافکندن آن باز سنگینی که بر حضرت رسول (ص) پدید آمده، از رهگذر مباحث مطرح شده قصه ابراهیم (ع) با بشارت آمده است. حال آن که در جای دیگر، همین قصه به روش اندازی و هشدار ی بیان شده است. این تنوع اسلوبی که در بسیاری از داستان های قرآن لحاظ شده، خود نشانگر جلوه یبانشگاری است.

🔴 **ارائه الگوی خوبان و نمونه بدان**

یکی از مهم ترین ابزار تعلیم و تربیت که اثر قاطع و تعیین کننده ای در ساختن شخصیت فرد و جامعه دارد، ارائه الگوهای برجسته از ارزش ها و نمونه های ضدارزش هاست. برای این کار می توان از داستان های قرآن که سرشار از عبرت هاست، استفاده کرد و به خوبی ها و بدی ها عینیت داد و آن ها را در قالب نمونه های تاریخی تجسم بخشید، به گونه ای که هر فردی آن را همانند نمایش نامه ای از نزدیک ببیند، خود را در کنار قهرمانان تاریخ حس کند و عاقبت خوب یا بد آن ها، عوامل شکست و پیروزی را به خوبی درک کند. بدین گونه الگوهایی که قرآن کریم در قصه ها مطرح می کند، نمونه هایی عینی و لمس شده از خوبان و بدان خواهد بود که در پرورش افراد، بسیار مؤثر و کارساز است.

بنابر گفته مفسران، قرآن حدود ۲۶۰ داستان در دل خودش دارد که به تفصیل یا ایجاز، وقایع تاریخی مختلفی را در عین شیوایی برای ماروایت می کند. اگر ما به این قصه ها و حکایات قرآنی نیک بنگریم، متوجه می شویم که قصه ها در این کتاب مقدس به شکلی بلیغ، مفاهیم را می رسانند که این بر پایه ویژگی های خاصی است که این قصه ها از آن برخوردار هستند. ویژگی هایی که به شکل اعجاز آمیزی ماهرانه و هنرمندانه با محتوای قصه ها عین گشته است. در ادامه برای آشنایی بیشتر با این ویژگی ها به پارهای از آن ها اشاره می کنیم.

🔴 **بیان حقیقت بدون کم و کاست**

قرآن کریم سرگذشت فراوانی را از انبیا و اقوام گذشته آورده که همگی بیان کننده وقایع و حقایقی است که در گذشته اتفاق افتاده است. قرآن نیز آن ها را بدون کم و کاست ذکر کرده است. چنان که درباره سرگذشت اصحاب کهف در آیه ۱۳ این سوره مبارکه می فرماید: «ما

سرگذشت اصحاب کهف را به طور حقیقی و واقعی برای تو گزارش می کنیم، آنان جوانمردانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و ما بر هدایت و رستگاری شان افزودیم». این تعبیر نشان می دهد که هم اصل ماجرا حقیقت دارد و به وقوع پیوسته است و هم نقل بر پایه تخیل نیست، پس نقل و منقول هر دو حق اند بنا بر این یکی از ویژگی های مهم داستان های قرآنی، حقیقی بودن خود آن ها و نتیجه شان است و چون قرآن، حقیقت محض است، نحوه بیانش نیز حق است و ذهن مخاطب را به باطل و انحراف نمی کشاند و هرگز خیال را به جای واقعیت بازگونی نکند و مطلب تخیلی را تحققی نمی کند.

🔴 **نظم منحصر به فرد در بیان داستان**

قرآن در بیان یک داستان، تمام مطلب را یک جا نمی گوید بلکه هر قسمتی از آن را به مناسبتی در جایی می آورد و این خواننده است که بایستی آن ها را به هم مرتبط سازد؛ مثلاً سرگذشت قوم بنی اسرائیل در بیش از ۲۰ سوره بیان شده که در سرتاسر قرآن پراکنده است و به هیچ وجه ترتیب زمانی در آن رعایت نشده است. این پراکندگی در واقع عمومی است و بخشی از هدف قرآن را در راستای بیان قصه ها تأمین می کند. بنابر این خداوند هدایت و تربیت انسان ها را اغلب در پناه قصه دنبال می کند و در هر مناسبتی قسمتی از داستان را بیان می کند می توان گفت که داستان گویی قرآن پراکنده اما زنده، پویا، هدف دار، بیدار کننده، عبرت انگیز و سوق دهنده انسان در مسیر تعالی و هدایت است.

🔴 **گزینش صحنه های درس آموز**

به طور کلی باید گفت هدف قصه های قرآن جدا از اهداف کلی قرآن نیست و روشن است که هدف اصلی در قرآن چیزی جز «هدایت» نیست. اساساً همه شریان های آیات قرآن به قلب هدایت می انجامد و هیچ نکته، مثال، قصه و حادثه ای در قرآن نیست که بی نتیجه و بی هدف طرح شده باشد. اصولاً بر خورد قرآن با حوادث زمان های

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

سه شنبه ۷ خرداد ۱۳۹۸
۲۲ رمضان ۱۴۴۰ • ۲۸ می ۲۰۱۹
شماره ۲۰۱۰۹

۱۳۳۲

آشنایی با اهداف حکیمانه قصه های قرآنی

عبرت آموزی، اتمام حجت و

یادآوری

فلسفه و اهداف حکیمانه و خردمندانه ای که در پس قصه های قرآنی و حق آن قرار دارد، آن را از قصه های خرافی، باطل و داستان گویی جدami سازد. خداوند برای قصه های قرآنی اهداف چندی را بیان کرده است که در ادامه به برخی از آن ها اشاره می شود.

تبیین حقایق: از مهم ترین اهداف قصه های قرآنی، تبیین حقایق هستی است تا انسان ها زندگی آگاهانه تری در دنیا داشته باشند.

تفکر: قصه های واقعی قرآن، این فرصت را به بشر می دهد تا در شناخت حقیقت از آن بهره گیرند و با تفکر در آن ها، مسیر حق را از باطل جدا سازند و راه درست زندگی را بیاموزند.

اتمام حجت: عقل هر گونه کیفر بدون هشدار و اتمام حجت را نمی پذیرد و آن را زشت می شمارد و از مصادیق ظلم و خروج از دایره عدل می داند. از این رو خداوند پیامبران را با کتاب و حجت به سوی بشر فرستاده و او را نسبت به دوزخ انذار داده و از بناء عظیم قیامت آگاه ساخته است. قصه های قرآنی نیز در همین دایره اتمام حجت قرار می گیرد.

تذکر و یادآوری: از دیگر اهداف قصه های قرآنی، بیدارباش و یادآوری است که در آیاتی از جمله ۱۲۰ سوره هود و ۹۹ سوره طه به این کار کرد قصه های قرآنی اشاره شده است.

استقامت: توجه انسان به قصه های پیامبران و سرنوشت اقوام مومن و کافر، انسان را نسبت به موقعیت و وضعیت خود آگاه و هوشیار می کند و زمینه روحی و روانی برای استقامت و پایداری را در انسان تقویت می کند.

ایجاد قوت قلب: از دیگر اهداف قصه های قرآنی ایجاد قوت قلب و تسلی بخشی و دلداری به مخاطبان است تا بدانند که امت های پیشین نیز برای رسیدن به اهداف عالی همواره با مشکلاتی مواجه بوده اند و این گونه نیست که حقیقت به سادگی آشکار و از آن استقبال و پشتیبانی شود.

عبرت آموزی: کارکرد دیگر و اهداف قصه های قرآنی، عبرت آموزی است. بیان قصه های پیامبران و امت های ایشان، این فرصت را به مخاطب می دهد تا موقعیت خویش را نسبت به پیامبران و امت های شان بسنجد و رفتار خویش را اصلاح و تصحیح کند.

علم و دانش: از دیگر کارکردهای قصه های قرآنی می توان به علم تاریخ و آگاهی از احوال پیشینیان و ز دانش ابهام و تردید از مقاطع پنهان تاریخ اشاره کرد.

عبودیت: از دیگر فلسفه ها و اهداف قصه های قرآنی، تبیین چگونگی عبودیت و بندگی خداوند است.

تفهیم حقایق: قرآن افزون بر تبیین حقایق هستی با قصه های قرآنی می کوشد تا حقایق قرآنی را در شکل تمثیل و وقایع تاریخی به همه مخاطبان انتقال دهد.



منابع این پرونده: پایگاه اطلاع رسانی حوزه، تبیان، ویکی فقه، ویکی شیعه و راسخون